

## آرته

## ایران

**در دفتر رئیس‌جمهور چه می‌گذرد**

● **در گفت‌وگو با محمود واعظی**: هر کس مدعی شود که من در تشکیل کابینه سهم و نقش داشتم یا قراری گذاشتمیم یا با هم تفاهم کرده بودیم، قطعاً حرف درستی زنده است... برخی فکر کردند کابینه باید تفکر خاصی داشته باشد، وقتی هم که این‌طور نشد، ابتدا یعنی پیش از آنکه من رئیس دفتر شوم، به آقای رئیس‌جمهوری انتقاد می‌کردند؛ اما وقتی دیدند ایشان تصمیمی دارد و بر اساس تصمیم خود عمل می‌کند، پس از حضور من در دفتر رئیس‌جمهوری، استراتژی آنان عوض شد و به جای ایشان، بنده را هدف گرفتند... ادعاهای دیگری را درباره اختلاف بین دکتر جهانگیری و بنده مطرح کردند. با قاطعیت به شما بگویم که هیچ‌کدام این حرف‌ها درست نیست... برخی هم می‌گویند ارتباطات دفتر قطع شده است. باید مشخص‌فخته شود ارتباط چه‌کسی و با چه‌کسی؟ صرفاً بحث‌ها کلی و بدون مصداق طرح می‌شود... پیش از دیدار فرماندهان سپاه با رئیس‌جمهوری، درایفتم که بی‌دلیل و بی‌جهت، برخی تلاش می‌کنند القا کنند میان دولت و سپاه یک جدایی وجود دارد یا اینکه این جدایی را ایجاد کنند، درصورتی‌که افتخار دولت یازدهم و دوازدهم تقویت بی‌سابقه ت‌وان راهبردی درستی کشور و کار نزدیک و حمایت از ماموریت‌های نیروهای مسلح و به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است... تا آنجا که خاطر هم هست، جامعه روحانیت در نظر داشت در جلسه‌ای انتخاب مجدد آقای روحانی را تبریک بگوید. درباره سپاه پاسداران هم هر دو طرف به گفت‌وگو تمایل داشتند. ضمن اینکه نمونه همین دیدارهای مفید، با فرماندهان عالی‌ارتم هم بوده است... نمی‌توانیم سیگنال‌های متناقضی به مردم بفرستیم، یعنی نمی‌توانیم در یک رسانه حرف‌های مثبت طرح کنیم و در رسانه دیگری مدام بی‌اس را پمپاژ کنیم. طرح‌سنجی‌ها نشان می‌داد که مؤلفه‌های مختلفی روی هم تأثیر گذاشتند تا به چنین وضعیتی رسیدیم. اگر

از من بپرسید چه کسی مقصر است، می‌گویم همه مقصریم. به عنوان مثال طیفی از رسانه‌ها و حتی صداوسیما در نوع برخی برنامه‌سازی‌ها و خبررسانی‌ها مقصر است... شخص رئیس‌جمهوری این را اعلام کردند و قبل از هر کسی خود وارد میدان شدند. در اولین جلسه دولت، انتقاد و اعتراض را حق اقسشار مختلف مردم دانستند و البته صراحتاً با آشوب و اغتشاشی که مخل امنیت عمومی و زمینه‌ساز دخالت بیگانگان است، مبرزندید کردند.... حزب اعتدال و توسعه پیشگام شد تا در مقابل تندروی‌ها اعتدال برجسته شود. با وجوداین، از گروه اصولگرایان معتدل که سمبل آنان را آقایان ناطق‌نوری، علی لاریجانی و در مجلس مستقلمتینی مانند آقای کاظم جلالی می‌دانیم، معتقدیم فاصله چندانی با آنان نداریم. همچنین با اصلاح‌طلبان معتدل که در مجلس چهره‌هایی چون آقای عارف حضور دارند... دولت حتماً معتقد به حمایت از پیام‌رسان‌های بومی است... همان‌طوری که آقای رئیس‌جمهور گفتند، هدف دولت از این‌حمایت فیلترینگ یا ایجاد محدودیت برای پیام‌رسان‌های پر مخاطب و مورد استفاده عمومی مردم نیست.

## اعتقاد

**آسیب‌شناسی خودکشی و واکنش‌های نابینجار کارگران ایرانی**
**گزارشی از بنفشه ساسی‌کیسو**:... وقتی با استاد به اخبار و آمارهای رسمی که نمی‌آ از واقعیت تلخ فرجام اخراج و تعدیل و بیکاری اجباری کارگران است، جدولی با روزشمار ابتدای فروردین ۱۳۹۶ تا ۱۵ فروردین ۱۳۹۷ می‌بندیم که ستون و ردیف‌هایش با خبر خودکشی موفقی یا اقدام به خودکشی ۹ کارگر اخراجی یا گرفتار مشکلات معیشتی بی‌بی‌شود، ترجیح می‌دهیم ماشین‌ها به آتش کشیده شود و اموال عمومی تخریب شود تا اینکه کارگر اخراجی، تیغ و طناب و بنزین به دست بگیرد و رگ بزند و بالای سر اتوبان‌ها، گردن آویخته، تاب بخورد یا در شعله‌های آتش رقص مرگ کند و ترجیح می‌دهیم دختر و پسر کارگر اخراجی، موادفروشی کنند و از دیوار مردم بی‌الا بروند تا اینکه پدر، چکش‌به‌دست، بر بالین اعضای خانواده بایستد و به قول نجفی توانای حقوق‌دان، به «راه‌حل ابدی» برای پایان‌دادن به قصه فقر متوسل شود.

## اعتقاد

**آسیب‌شناسی خودکشی و واکنش‌های نابینجار کارگران ایرانی**
**گزارشی از بنفشه ساسی‌کیسو**:... وقتی با استاد به اخبار و آمارهای رسمی که نمی‌آ از واقعیت تلخ فرجام اخراج و تعدیل و بیکاری اجباری کارگران است، جدولی با روزشمار ابتدای فروردین ۱۳۹۶ تا ۱۵ فروردین ۱۳۹۷ می‌بندیم که ستون و ردیف‌هایش با خبر خودکشی موفقی یا اقدام به خودکشی ۹ کارگر اخراجی یا گرفتار مشکلات معیشتی بی‌بی‌شود، ترجیح می‌دهیم ماشین‌ها به آتش کشیده شود و اموال عمومی تخریب شود تا اینکه کارگر اخراجی، تیغ و طناب و بنزین به دست بگیرد و رگ بزند و بالای سر اتوبان‌ها، گردن آویخته، تاب بخورد یا در شعله‌های آتش رقص مرگ کند و ترجیح می‌دهیم دختر و پسر کارگر اخراجی، موادفروشی کنند و از دیوار مردم بی‌الا بروند تا اینکه پدر، چکش‌به‌دست، بر بالین اعضای خانواده بایستد و به قول نجفی توانای حقوق‌دان، به «راه‌حل ابدی» برای پایان‌دادن به قصه فقر متوسل شود.

## اعتقاد

**آسیب‌شناسی خودکشی و واکنش‌های نابینجار کارگران ایرانی**
**گزارشی از بنفشه ساسی‌کیسو**:... وقتی با استاد به اخبار و آمارهای رسمی که نمی‌آ از واقعیت تلخ فرجام اخراج و تعدیل و بیکاری اجباری کارگران است، جدولی با روزشمار ابتدای فروردین ۱۳۹۶ تا ۱۵ فروردین ۱۳۹۷ می‌بندیم که ستون و ردیف‌هایش با خبر خودکشی موفقی یا اقدام به خودکشی ۹ کارگر اخراجی یا گرفتار مشکلات معیشتی بی‌بی‌شود، ترجیح می‌دهیم ماشین‌ها به آتش کشیده شود و اموال عمومی تخریب شود تا اینکه کارگر اخراجی، تیغ و طناب و بنزین به دست بگیرد و رگ بزند و بالای سر اتوبان‌ها، گردن آویخته، تاب بخورد یا در شعله‌های آتش رقص مرگ کند و ترجیح می‌دهیم دختر و پسر کارگر اخراجی، موادفروشی کنند و از دیوار مردم بی‌الا بروند تا اینکه پدر، چکش‌به‌دست، بر بالین اعضای خانواده بایستد و به قول نجفی توانای حقوق‌دان، به «راه‌حل ابدی» برای پایان‌دادن به قصه فقر متوسل شود.

## اعتقاد

**نجفی‌نماد: می‌سوزد**

● **درگفت‌وگو با عبدالله ناصری**: دوم خرداد نقطه عطفی در جامعه بود و اساساً از این زمان به بعد شهرداری پایتخت مهم شد و در ارزیابی‌ها ماهیت سیاسی به خود گرفت. گرچه مشاهده شد که بلافاصله پس از پیروزی اصلاح‌طلبان در دوم خرداد با آقای کرباسچی چگونه برخورد شد... در این جهت معتقدم بحث استعفای آقای نجفی این‌طور در جامعه جا افتاده که علت استعفای وی فشارهایی خارج از بحث بیماری و مسائلی مطرح‌وه توسط خود شهردار است.

politics@sharghdaily.ir

# سیاست

پاسخ کورش احمدی به موسی غنی‌نژاد

# آیا مصدق مسئول مشکلات امروز ماست؟



در اسلام را به این عنوان که فکر غربی در آن غلبه دارد، وسیله حمله به او قرار دادند. او به خاطر امیدی که به کمک از جانب آمریکا داشت، بسیار مورد انتقاد قرار گرفت و همچنان می‌گیرد. مصدق در سفر ۳۷روزه‌اش به آمریکا در آبان و آذر ۱۳۳۱، ساعت‌ها و روزها شخصاً با مقامات آمریکایی در همه سطوح از معاون وزیر تا اقدامات دیگری نیز در آن دوره مانند اعمال نظام رسمی چندنرخ‌سی ارز، انحصار خرید و توزیع محصولات عمده کشاورزی با قیمت‌گذاری دولتی به ضرر کشاورزان و به سود اقسشار نوکیسه شهری، ایجاد زیرساخت‌ها و واحدهای تولیدی با درآمد نفت و مالیات غیرمستقیم با مدیریت بوروکراتیک و... صورت گرفت. تلاش برای برنامه‌ریزی متمرکز نیز در دوره رضاشاه مالی شوار در دهه ۱۳۱۶ شروع شد و برنامه اول توسعه از سوی دولت قوام و با حمایت شاه در ۱۳۲۶ تهیه شد. ابوالحسن ابتهاج که هیچ سختی با مصدق نداشت، با شعار «شکستن دور طاب فقر به کمک برنامه‌ریزی متمرکز» و با تأکید بر نقش دولت به‌عنوان موتور اصلی رشد، کار خود را از ۱۳۳۳ با بعد پی‌گرفت. درحالی‌که در شرایط مالی شوار در دهه ۱۳۴۰، بزگاری مانند سمیعی، عالیخانی، یگانه، اصغیا و... تحولی عمداًت خارج از مدار اقتصاد دولتی به‌وجود آوردند، این‌پهلوی دوم بود که در پی افزایش عظیم درآمد نفت در ۱۳۵۲، همه رسته‌های آن بزگان را پنبه کرد و کشور را به مدار اقتصاد دولتی برگرداند.

بعلاوه، آقای غنی‌نژاد در نظر نمی‌گیرد که کیفای نقشی‌فانقه در اقتصاد از سوی دولت، در دهه ۱۹۹۰ به‌سیاری از کشورها پذیرفته‌شده و حتی مطلوب شمرده می‌شد. حتی در اروپا نیز هنوز سوسیالیسم و مداخله دولتی در اقتصاد وجهه داشت و احزاب چپ با برنامه ملی‌ساز به قدرت می‌رسیدند. هم‌زمان با دوره مصدق، کلمنت اتلی، نخست‌وزیر انگلیس، پیوسته اعمال صنایع، بانک‌ها و خدمات عمومی (معادل حدود ۲۰ درصد از کل اقتصاد) را دولتی کرد. در فرانسه نیز بعد از جنگ دوم بخشش درخور توجهی از اقتصاد شامل بانک‌ها، شرکت رنو، شرکت‌های برق، گاز، ذغال، راه‌آهن و... ملی شد.

در جهان سوم به طریق اولی مداخله دولتی در اقتصاد، ازجمله از طریق «راه رشد غیرسرمایه‌داری»، رایج بود. در روندی معکوس در ایران، اقتصاد دولتی تا حدی در دهه ۱۳۲۰ و دوره مصدق تعدیل شد. به قول همایون‌کاتوزیان و برخلاف ادعای آقای غنی‌نژاد، دوره مصدق یکی از بهترین ادوار تاریخ ایران برای بخش خصوصی بود. در این دوره به دلیل سیاست اقتصاد ناچاراً بدون نفت، کاهش ارزش ریال (۴۰ به صد ریال)، افزایش شدید صادرات غیرنفتی و کاهش شدید واردات به دلیل قطع درآمد نفت، دخالت دولت در اقتصاد کاهش یافت و ازجمله ۷۵ درصد تجارت خارجی در دست بخش خصوصی بود. البته مصدق در دوره تحریم‌ها مجبور شد نوعی راهبرد «جایگزینی واردات» و خودکفایی را به علت قطع ارز نفتی و مسدودشدن ذخایر ایران در حوزه استرلینگ مبنای کار قرار دهد.

عجیب است که آقای غنی‌نژاد دولتی‌شدن اقتصاد در دوره مصدق را به علت قطع ارز نفتی و مسدودشدن ذخایر ایران در حوزه استرلینگ مبنای کار قرار دهد. عجب است که آقای غنی‌نژاد دولتی‌شدن اقتصاد در دوره رضاشاه و نیز جو زمانه را وامی‌نهد و جنبش به قول ایشان «شکست‌خورده مصدق» را مقصر رواج «اقتصاد دولتی» در ایران و مشکلات شش، هفت دهه گذشته معرفی کند.

**«غرب‌ستیزی مصدق»**

آقای غنی‌نژاد معتقد است تفکر مصدق بر مبنای «نوعی ناسیونالیسم رمانتیک توام با یوپولیسم» بود. به باور ایشان، مصدق «عقاد داشت همه مشکلات ایرانی‌ها ناشی از خارجی‌هاست. گفتار غالب در نهضت ملی‌شدن و جریان سیاسی نفت، از این نوع بود... ملت ایران را همیشه در معرض توطئه‌های اجنبی» می‌دید و «علت عقب‌ماندگی را این می‌دانست». غنی‌نژاد مصدق را به «جنبی‌ستیزی در سیاست خارجی» که «در واقع رویکردی یوپولیستی، اما جذاب برای عامه مردم» است، متهم می‌کند و او را مسئول شکل‌گرفتن «فضایی ضدغربی و ضددنیای صنعتی در کشور ما» با «آاز درآمدت» می‌داند. نسبت‌دادن این‌گونه باورها به مصدق قطعاً تحریف تاریخ است. مصدق مطلقاً این‌گونه نمی‌اندیشید.

او بی‌شک منتقد سیاست انگلیس در ایران و نیز دشمن ایرانیان مذهب با انگلیس بود، اما به لحاظ تفکر، منش و روش هم‌زمان ایرانی و غربی مسلک و سکولار بود. او در فرانسه و سوئیس درس خواند، همراه خانواده در سوئیس زیست و آخرین فرزندش را‌که معلول بود، به پانسونی در سوئیس سپرد. به‌قول یک خبرنگار فرانسوی آرزویش این بود که نوه‌اش در انگلیس درس بخواند و از اروپا و آمریکا همیشه (درست یا غلط) با احترام سخن گفت. سال‌ها مخالفانش رساله کتتری او را در مورد ارت

کمک کند؟ ما این‌قدر ساده‌لوح هستیم؟ معلوم است که دنبال منافعش آمده». ما ساده‌لوح نیستیم. اینکه آن فرد انگلیسی که بسیار محترم و کارش بسیار ارزنده بود، بخواهد به درآمدی مکفی از کار شاقش بسنده کند، یک بحث است. اینکه شرکت نفت انگلیس و ایران و دولت انگلیس بخواهند در زدنبد با دربار و آریستوکراسی بومی کنترل سیاسی کشور را در دست داشته باشند، بحثی دیگر. آقای غنی‌نژاد واقعاً نمی‌داند که مشکل کجا بود یا خودش را به کوجه علی‌چپ می‌زند؟

بعلاوه آقای غنی‌نژاد معتقد است که مصدق باید واقع‌بین می‌بود و می‌پذیرفت که «دولت‌های بعدی [ایران] نیز موظف به رعایت مفاد قراردادها» یا انگلیسی‌ها بودند و اینکه «اصرار آنها بر قراردادهای قبلی، به علت هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی بود که کرده بودند و البته منافع استراتژیک دولت‌های غربی، به‌ویژه انگلستان نیز برایشان در آن شرایط جنگ سرد بسیار مهم بود». او اضافه می‌کند: «دولت انگلستان به‌هیچ‌وجه حاضر نبود منافع خود در خلیج فارس را رها کند و برسد». چگونه آقای غنی‌نژاد منافع انگلیس را می‌بیند؛ اما منافع ایران را نمی‌بیند؟ من نمی‌دانم نظر ایشان درباره جنبش استقلال هند که حدود سه سال قبل از نخست‌وزیرشدن مصدق به پیروزی رسید، چیست. اگر اقدام ایران برای اعمال حاکمیت ملی بر صنعت نفت و به‌دست‌گرفتن مدیریت کلان نفت «خیال‌پردازی» یا «شعارهای احساسی» بود، پس تکلیف دیگر جنبش‌های ضداستعماری در آن دوران چیست؟ باید مشخص کرد آنچه در آن دوران روی زمین و به طور عینی و ملموس رخ می‌داد، «خیال‌پردازی» بود یا آنچه این روزها، یعنی ۷۰، ۶۰ سال بعد، در ذهن گروهی می‌گذرد. به‌علاوه، من نمی‌دانم نظ آقای غنی‌نژاد درباره رضاشاه چیست. لزوم به یادآوری است که رضاشاه نیز به جد قصد لغو قرارداد داریسی در سال ۱۹۳۲ را داشت. او روزی خشمگین از تأخیر دولت دراین‌باره غررش‌کنان و سرزرده وارد جلسه هیئت دولت شد. پیونده قرارداد داریسی را در بخاری انداخت و گفت: «نمی‌روید تا امتیاز را لغو کنید» و دولت چنین کرد: اما آنچه باعث جازدن او شد، سابق‌های تودار انگلیسی و محاصره آبادان و شورش برخی قبایل در بلوچستان بود. به‌علاوه، مصدق همان‌طور که بسیاری گفته‌اند، پیشگام و مبتکر ملی‌کردن نفت نبود. از «عوام» که بگذریم، بخش اعظم نخنگان آن دوره ازجمله انگلیس، فاطمی، دехدا و... و ۹۶ نماینده‌ای که در ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ به طرح مربوطه رای دادند، همفکر او بودند. آیا دکتر غنی‌نژاد همه اینها را «خوش‌خیال»، «احساسی» و «ناسان» می‌داند یا تا حدی مصدق را شایسته این اوصاف می‌شمارد؟ همان‌طور که رضاشاه حق داشت

به فکر منافع کشور خودش باشد؛ نه منافع انگلیس. مصدق و هر ایرانی وطن‌خواه دیگری نیز حق داشت به فکر منافع ملت خود باشد؛ نه منافع انگلیس در خلیج فارس» یا «سرمایه‌گذاری‌های انگلیس» و... به‌علاوه، همان‌گونه که کلمنت اتلی به صاحبان صنایع ملی‌شده غرامت پرداخت، مصدق هم آماده پرداخت غرامتی منصفانه بود؛ اما غرامتی که شرکت نفت انگلیس مطالبه می‌کرد، برابر درآمد سالانه آن شرکت تا پایان قرارداد یعنی ۱۹۹۳ بود؟! من نمی‌فهمم در زمانه‌ای که در انگلیس یعنی مهد لیبرالیسم اقتصادی در جهان، دولت کلمنت اتلی در چنان سطح وسیعی دست به ملی‌کردن صنایع داخلی زد، چطور آقای دکتر غنی‌نژاد، مصدق را به خاطر تلاش برای ملی‌کردن صنعت نفت کشورش در کنترل یک شرکت و یک دولت خارجی بود، به «ساده‌لوحی» و «نادانی» و البته «شعارزدگی» و «شلوغ‌کاری و بد و بیراه‌گفتن به غربی‌ها» متهم می‌کند. به‌علاوه، ملی‌کردن نفت پروژه اصلی مصدق نبود؛ بلکه عمدتاً وسیله‌ای بود در راستای اهداف اصلی او یعنی: مبارزه با خودکامگی دربار و الیگارشی ستی در راستای اهداف انقلاب مشروطه، تبدیل مجلس به مرکز اصلی اداره کشور و ایجاد دگرگونی در الگوی قدرت سیاسی در ایران. او در هر سه مورد شکست خورد و این سه پیرونده تا ۱۳۵۷ بسته ماند.

**«مصدق یوپولیسم»**

آقای غنی‌نژاد در مصاحبه خود بارها مصدق را یوپولیست می‌نامد. او ازجمله می‌گوید: «گفتار سیاسی مصدق، گفتار یوپولیستی بود... گفت مجلس آن جایی است که مردم هستند. این کردار و گفتار یوپولیستی است...». او اضافه می‌کند که «دراین‌باره دو فرضیه

# سیاست

پاسخ کورش احمدی به موسی غنی‌نژاد

# آیا مصدق مسئول مشکلات امروز ماست؟

# سیاست

**ادامه از صفحه اول**

## خط‌ونشان آمریکایی برای «دیگران»

زیرا رفتار ترامپ چنان نفرت و دوگانگی را در جامعه آمریکا به وجود آورده است که پیش‌بینی می‌شود کنگره آمریکا به‌کلی از چنگال حزب جمهوری‌خواه خارج و به دست دموکرات‌ها بیفتد. با همه تلاشی که رسانه‌های محافظه‌کار برای پنهان‌داشتن نگرانی اشاره‌شده به کار می‌برند؛ به دلیل آزادی رسانه‌ها، نمی‌توانند از دزرکردن این اسرار جلوگیری کنند.

۴- آنچه موجب نگرانی محافظه‌کاران و به‌ویژه نئونکان‌ها شده، رفتار دیکتاتورمآبانه ترامپ در چرخش استراتژی روابط خارجی است. برخلاف اواما که مانند یک شطرنج‌باز با حریفان جهانی بازی می‌کرد، ترامپ روش محمدهم‌لی‌کنی، بوکس‌باز معروف را به کار می‌برد؛ در آغاز هر رویارویی با سران کشورهای خارجی، کار مذاکره را با رجزخوانی آغاز می‌کند. سپس بدون اینکه به عمق مسئله مورد مذاکره تسلط کافی داشته باشد، تصمیمش را گرفته. آن را قاطعانه و به صورت عمومی اعلام می‌کند. آن‌گاه نظر اطرافیان خود را می‌پرسد و در صورت نیاز حرف خود را تعدیل می‌کند. ترامپ هنوز که بیش از یک سال از زمامداری‌اش نگذشته، دشمنان بسیاری در سراسر جهان برای خود تراشیده است.

۵- قشقرقی که ترامپ تا امروز در دشمنی با ایران به راه انداخته است، تقریباً او را به هدف‌های اولیه پیش از تصمیم‌گیری درباره آینده برجام و روابط ایران و آمریکا نزدیک کرده است. او می‌خواهد -اگر بتواند- خاطره‌ای جاوبیدان از زمامداری خود بر جای بگذارد. سیاست‌بازی هم در حرکات او به‌خوبی جلوه‌گر است. افرادی مانند بولتون و پمپئو را به تور خود جمع کرده تا قاطعیت تصمیم خود را به طور مقابل القا کند. استقبال کیم جونگ اون، رهبر کره‌شمالی، برای ملاقات و مذاکره با ترامپ را نتیجه هوشمندی خود و موفقیت استراتژی برخورد خود با یک دشمن می‌داند. از سوی دیگر رفتار و برخورد ترامپ با ایران مشکلاتی را برای ایران فراهم کرده است؛ هر حرفی‌که او درباره ایران می‌زند و با کنزش همکاری‌ان مانند جان بولتون و پمپئو -که از دوران زمامداری جورج بوش پسر به نام دشمن ایران شناخته می‌شوند- جو سیاسی و اقتصادی ایران را ملامت می‌کند. بهای ارز و طلا در بازار افزایش می‌یابد، حرکت مهاجرت شتاب می‌گیرد، ارزش سهام کاهش می‌یابد و به نگرانی مردم افزودنی می‌شود. این تجربه برای ایران تاژگی ندارد. ایران در چند هزار سال تاریخ خود از این رویدادها زیاد دیده است. ایران در جنگ با رومیان چند امپراتور رومی را در همین منطقه شامات سر به نیست کرده است. رستم و افراسیاب نمونه باز دیگری از برخورد رقابتی منطقه در ایران باستان است. بگذریم از اینک ستم‌خیز خودمان، با دست خود پسرش را هم کشت. در آن دوران قوای مهاجم و قدرت دفاعی ایران تقریباً هم‌وزن بودند. در نبرد، حالت رده‌بندی بازی‌های المپیک امروزی برقرار بود. در بازی‌های المپیک هر قهرمان یا تیم باید با قهرمان تیم هم‌وزن خود مسابقه دهد. این با بازی و تهاجم بین‌المللی متفاوت است. ایالات متحده در کشورهای مجاور ایران دارای شمار درخور توجهی پایگاه نظامی است و کشورهای همسایه را علیه ایران تحریک کرده است. در سال‌های آغازین سده بیست‌ویکم، با هجوم آمریکا به عراق بیش از یک میلیون عراقی کشته شدند. همین آقایان بولتسون و پمپئو -که از همکاران جورج بوش پسر بودند- در تحریک او نقش اساسی بازی می‌کردند. یک دلیل تهدید ایران از سوی ترامپ رابطه نزدیک ایران با روسیه است. آمریکا و انگلیس در دوران جنگ سرد و سال‌های پیش از انقلاب اسلامی در ایران، کشور شوروی را با خطوط پیمان بغداد و ستو محاصره کرده بودند. وقوع انقلاب در مرزهای جنوبی شوروی به آمریکایی‌ها اطمینان داد که کمونیست‌ها نمی‌توانند به درون یک کشور مذهبی نفوذ کنند؛ اما نشود» به‌هیچ‌روی نمی‌توانند مصداق تعریف ارائه‌شده از یوپولیسیسم باشند. حتی نگاه سطحی به ادبیات سیاسی معاصر روشن می‌کند که مهم‌ترین خصیصه‌اش پارلماناریست‌بودن او گفته شده است. او تمرکز همه امور کشور را در مجلس می‌خواست

و می‌گوشند. و... به‌علاوه، چون یوپولیسیسم همه‌جا معطوف به اقتدارگرایی یا تمامیت‌خواهی است، آقای غنی‌نژاد چنین گرایشی در مصدق را نیز باید توضیح می‌داد. استاد غنی‌نژاد در صورتی می‌تواند به یوپولیسیسم بودن کسی حکم کند که چنین خصایصی را به‌طور سیستماتیک و مستمر در زندگی سیاسی او یافته و به طور مدون و مستند ارائه کرده باشد. درغیراین‌صورت تنها تئری در کارکی انداخته است، به امید اینکه به جمعی بی‌اطلاع اصابت کند.

زندگی سیاسی مصدق اگر از ابتدا تا انتها دیده شود؛ به‌هیچ‌روی نمی‌توانند مصداق تعریف ارائه‌شده از یوپولیسیسم باشند. حتی نگاه سطحی به ادبیات سیاسی معاصر روشن می‌کند که مهم‌ترین خصیصه‌اش پارلماناریست‌بودن او گفته شده است. او تمرکز همه امور کشور را در مجلس می‌خواست و می‌گوشند. و... به‌علاوه، چون یوپولیسیسم همه‌جا معطوف به اقتدارگرایی یا تمامیت‌خواهی است، آقای غنی‌نژاد چنین گرایشی در مصدق را نیز باید توضیح می‌داد. استاد غنی‌نژاد در صورتی می‌تواند به یوپولیسیسم بودن کسی حکم کند که چنین خصایصی را به‌طور سیستماتیک و مستمر در زندگی سیاسی او یافته و به طور مدون و مستند ارائه کرده باشد. درغیراین‌صورت تنها تئری در کارکی انداخته است، به امید اینکه به جمعی بی‌اطلاع اصابت کند.

زندگی سیاسی مصدق اگر از ابتدا تا انتها دیده شود؛ به‌هیچ‌روی نمی‌توانند مصداق تعریف ارائه‌شده از یوپولیسیسم باشند. حتی نگاه سطحی به ادبیات سیاسی معاصر روشن می‌کند که مهم‌ترین خصیصه‌اش پارلماناریست‌بودن او گفته شده است. او تمرکز همه امور کشور را در مجلس می‌خواست و می‌گوشند. و... به‌علاوه، چون یوپولیسیسم همه‌جا معطوف به اقتدارگرایی یا تمامیت‌خواهی است، آقای غنی‌نژاد چنین گرایشی در مصدق را نیز باید توضیح می‌داد. استاد غنی‌نژاد در صورتی می‌تواند به یوپولیسیسم بودن کسی حکم کند که چنین خصایصی را به‌طور سیستماتیک و مستمر در زندگی سیاسی او یافته و به طور مدون و مستند ارائه کرده باشد. درغیراین‌صورت تنها تئری در کارخانه‌ها، تشکیک شورای عالی شکل‌گیری جبهه ملی قرار گرفت. به قول سپهر ذبیح انتخابات دور هفدهم که از سوی مصدق برگزار شد، به‌رغم تلاش گسترده دربار، ارتش، زمین‌داران و رؤسای ایلات، همراه با دو انتخابات اول و دوم از آرزوینری انتخابات‌های ایران بود.

مصدق در ابتدای شروع به کار، به رئیس شهربانی دستور داد که هر انتقادی از او آزاد است و قانون جدید مطبوعات را به نحوی که ضامن آزادی مطبوعات باشد، تصویب گذارند. می‌دانیم که جرایم مخالف حتی او را «کفتار پیر»، «سرمرد سفلیسی» و... می‌خواندند و کاریکاتورهایی با پسر او و تن خر و سگ می‌کشیدند.

می‌دانیم که در دوره او احزاب سیاسی بدون هرگونه قیدوبندی فعال شدند و نهادهای مدنی شکل گرفتند. قانون تشکیل و استقلال کانون وکلا که تحولی مهم در قوه قضائیه بود، از سوی دولت او شکل گرفت. همچنین قانونی‌شدن تشکیل اجتماعات، تشکیل شورای عالی فرهنگ، ایجاد اتاق صنایع و معادن، ایجاد هیئت‌های نظارت صنعتی در کارخانه‌ها، تشکیل شورایی ده یا حضور نماینده رعایا، مالک و معتمدان محل، تشکیل شورای بخش یا حضور نمایندگان شوری ده و نمایندگان ارگان‌های دولتی مربوطه، تشکیل شورای شهرستان یا شرکت نمایندگان شورای بخش و نمایندگان ارگان‌های دولتی مربوطه در آن دوره عملی شد.

**ادامه در صفحه ۱۵**

### باز هم پزشکان؟

امسکان حضور به‌موقع پزشک بر بالین بیمار، نه‌تنها از حقوق پزشکان بلکه از حقوق بیماران است. ممکن است منتقدانی بر اساس جو حاکم رسانه‌ای فعلی از همین حضور به‌موقع شکایت کنند، ولی قطعاً سیاست‌گذاران نباید امکان این حضور را مشکل‌کنند. من نیز نباید آنچه از همکارانم دیدهم، اطمینان کامل دارم که حتی با سیاست‌های جدید نیز حداکثر تلاش را خواهند کرد که اختلافی در درمان بیماران اتفاق نیفتد و حداقل درخواست این قشر- که به شهادت همه تحصیل‌کرده به‌شمار می‌روند- است.